

بررسی تطبیقی وصف تجریدی در اسناد تجاری با اصل استقلال در اعتبارات اسنادی

همایون مافی*

راضیه عبدالصمدی**

پذیرش: ۹۴/۶/۳۰

دریافت: ۹۳/۹/۱۸

وصف تجریدی / استقلال / اعتبار اسنادی / ایرادات / استثنائات

چکیده

اسناد تجاری برخلاف اسناد مدنی که اعتبارشان منوط به صحت روابط حقوقی است بالااصله از حیاتی مستقل از معاملات و روابط ابتدایی برخوردار بوده و متکی و قائم به خود هستند. بر این اساس، اعتبار و ارزش اسنادی تجاری مجرد از روابط مبنایی است که علت وقوع آن‌ها را تشکیل می‌دهد. وصف تجریدی اسناد تجاری ناظر بر تفکیک و جدایی رابطه حقوقی منشأ صدور سند از روابط حقوقی ناشی از صدور سند است. از آثار وصف تجریدی اسناد تجاری مصونیت این اسناد از ایرادات مربوط به بطلان، عدم نفوذ یا فسخ عمل حقوقی در برابر دارنده سند تجاری است. اعتبارات اسنادی نیز همانند اسناد تجاری به‌عنوان اسناد قابل معامله مستقل و فارغ از قرارداد اصلی خرید و فروش یا سایر قراردادهایی است که مبنای گشایش اعتبار قرار می‌گیرند. در این صورت، بانک گشاینده اعتبار با انصراف از استناد به ایرادات در مقابل بدهکار اصلی مسئول پرداخت وجه در مقابل ذینفع است. مقاله حاضر با تمایز وصف تجریدی اسناد تجاری و اصل استقلال اعتبار

*. دکترای حقوق تجارت بین‌الملل، دانشیار دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

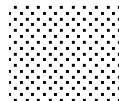
hmynmافی@yahoo.com

Rsamadi.ir@gmail.com

** دکترای حقوق خصوصی، استادیار دانشگاه اشرافی اصفهانی

■ همایون مافی، مسئول مکاتبات.

اسنادی به تحلیل استثنائات آن‌ها می‌پردازد تا با توجه به تشابهات و افتراقات این دو فرآیند تأثیر ایرادات را بر هر یک از آن‌ها بررسی کند.



مقدمه

وصف تجریدی اسناد تجاری به این معنا است که رابطه حقوقی ناشی از صدور سند از رابطه حقوقی منشأ صدور آن منتزع و مستقل است. نتیجه تجریدی بودن اسناد تجاری دو اصل عدم توجه ایرادات و اصل استقلال امضائات است. در اصل اول متعهدان سند در برابر دارنده اسناد با حسن نیت امکان توسل به ایرادات فیمابین خود را ندارند. از این رو، اقتضای وصف تجریدی بودن اصل عدم توجه ایرادات است. اصل تجریدی ناظر بر اسناد تجاری اساساً کاربرد داخلی داشته و متأثر از نظام حقوقی داخلی است. برعکس، اعتبارات اسنادی نوعاً در مورد معاملات فراملی است و متأثر از نظام حقوق تجارت بین الملل است. در اعتبارات اسنادی که خریدار و فروشنده اسناد را مورد معامله قرار می دهند قرارداد اعتبار اسنادی از قرارداد اصلی فاصله می گیرد و از آن تفکیک می شود. تفکیک و استقلال اعتبارات اسنادی از قراردادهای فروش در ماده «۴» عرف و رویه های متحدالشکل اعتبارات اسنادی (یوسی پی ۶۰۰) به رسمیت شناخته شده است. از آثار استقلال اعتبار اسنادی عدم توجه به ایراداتی است که راجع به قرارداد پایه است. به بیان دیگر، استناد بانک ها به ایرادات قرارداد پایه قابلیت استماع ندارد. بانک گشاینده اعتبار متعهد می شود و جهی را که معادل ثمن معامله پایه است به ذینفع اعتبار (یا همان فروشنده) بپردازد. بانک نسبت به رابطه حقوقی پایه بیگانه است و نه از آن حقی کسب می کند و نه در اثر آن تعهدی به عهده می گیرد. مقتضای این امر آن است که ایرادات، دفاعیات و ضمانت اجراهای ناشی از رابطه پایه نیز له و علیه بانک قابل استفاده نباشد. مفاد اصل استقلال اعتبارات اسنادی نیز چیزی جز این اقتضا ندارد. سبب این تعهد بانک را نه در رابطه حقوقی پایه بلکه باید در خود رابطه اعتبار اسنادی جست. به تعبیر دیگر، تعهد بانک از خود رابطه اعتبار اسنادی منشأ می گیرد نه از روابط دیگری که اعتبار زائیده آن ها است. پرداخت به وسیله اعتبارات اسنادی و به منظور تسهیل اجرای تعهدات ناشی از آن روابط در نظر گرفته شده است. سؤالی که مطرح می شود این است که آیا به دلیل استقلال اعتبار اسنادی رابطه قبلی ناشی از قرارداد پایه ساقط می شود و تعهد جدیدی حادث می شود یا این که با وقوع قرارداد اعتبار اسنادی انتقال طلب صورت می گیرد. در این مورد گفته شده است که یکی از آثار تفکیک رابطه اعتبار اسنادی از قرارداد پایه این است که با قبول ایجاب خریدار به وسیله بانک تبدیل تعهد به عمل نمی آید و توافق اعتبار اسنادی

جایگزین توافق قرارداد پایه نمی‌شود. بنابراین، تعهدات خریدار هم‌چنان طبق قرارداد پایه به قوت خود باقی خواهد ماند و تعهد بانک جانشین تعهدات خریدار نمی‌شود. مضافاً، با وقوع قرارداد اعتبار اسنادی انتقال طلب نیز صورت نمی‌گیرد. دلیل این امر را باید در ماهیت منحصر به فرد و ویژگی ذاتی اعتبارنامه و اسناد تجاری جست‌وجو کرد.^۱ اصل استقلال اعتبار اسنادی، منشأ استثنائات متعدد و بسیار مهمی در حوزه اعتبارات اسنادی است. عدم امکان استناد به ایرادات و دفاعیات ناشی از رابطه معاملاتی پایه یا قرارداد گشایش اعتبار، عدم تأثیر انحلال یا تغییر مفاد معامله پایه یا قرارداد گشایش اعتبار بر معامله اعتبار اسنادی، جدایی مفاد معامله و شروط معامله اعتبار اسنادی از شروط و مفاد روابط حقوقی مقدماتی، عدم امکان بهره‌گیری از شروط مندرج در معامله پایه یا قرارداد گشایش اعتبار جهت تفسیر مفاد معامله اعتبار اسنادی به معنای خاص در شمار مهم‌ترین ایرادات وارد بر اصل استقلال در حقوق اعتبارات اسنادی است. این مقاله از سه گفتار تشکیل شده است. در گفتار اول به وصف تجریدی اسناد تجاری و استثنائات آن پرداخته می‌شود. در گفتار دوم اصل استقلال اعتبارات اسنادی و استثنائات آن مورد بررسی و مذاقه قرار می‌گیرد. گفتار سوم نیز به تطبیق این دو اصل با یکدیگر و تحلیل اشتراکات و افتراقات آن دو با یکدیگر می‌پردازد.

۱. وصف تجریدی در اسناد تجاری

منظور از وصف تجریدی در اسناد تجاری جدایی دو رابطه حقوقی است. رابطه حقوقی مبنای صدور سند تجاری که به آن تعهد پایه گفته می‌شود و رابطه حقوقی که با تنظیم سند شکل می‌گیرد.^۲ در قلمرو حقوق تجارت، به واسطه صدور سند رابطه حقوقی جدیدی به وجود می‌آید که متکی به خود سند است و حیات و اعتبار آن منوط و مشروط به رابطه حقوقی منشأ سند نیست. برخلاف حقوق مدنی که اسناد در آن جنبه طریقت دارند و در آن با زوال رابطه حقوقی، سند ناشی از آن نیز زائل می‌شود در حقوق تجارت سند تجاری پس از صدور موضوعیت یافته و رابطه حقوقی مستقل و مجردی ایجاد می‌شود که متکی به خود است نه منشأ آن. در نتیجه، تعهدات متکی بر اسناد مدنی وجودی متزلزل داشته و وابسته

۱. ابافت، رسول (۱۳۸۶)؛ ص ۱۰۶.

۲. جنیدی، لعیا، شریعتی‌نسب، صادق (۱۳۹۲)؛ ص ۲.

به اعتبار رابطه حقوقی منشأ صدور سند هستند، ولی تعهدات متکی بر اسناد تجاری فارغ و مستقل از منشأ خود به حیات حقوقی خود ادامه می‌دهند. تجرید و جدایی رابطه حقوقی منشأ نسبت به رابطه حقوقی جدید محدود به مرحله صدور سند تجاری نیست، بلکه در هر مرحله که سند تجاری در مقام صدور سند، ظهنویسی یا ضمانت مورد مبادله واقع شود وصف تجریدی وجود دارد.^۱ این موضوع که اسناد تجاری مستقل و مجرد از رابطه حقوقی ابتدائی منشأ تعهد می‌باشند در دادنامه شماره ۸۷/۴۰۴/ مورخ ۸۷/۵/۱۹ صادره از شعبه ۲۰ دادگاه حقوقی تهران به این شرح مورد قبول واقع شده است: ... صدور چک از جانب خواننده ردیف اول به دلالت گواهینامه عدم پرداخت مضبوط در پرونده و ظهنویسی همان چک به عنوان ضامن توسط خوانندگان ردیف‌های دوم و سوم در این پرونده محرز است. هر امضائی که روی هر نوشته یا سند مندرج شود به ضرر امضاکننده آن دلیل است... چک یاد شده فوق از اسناد تجاری است و از طرف دیگر این اسناد دارای وصف تجریدی‌اند که در مقابل دارنده با حسن نیت آن ایراد و دفاع قابلیت استماع ندارد.^۲ ذیلاً به آثار وصف تجریدی در اسناد تجاری پرداخته می‌شود.

بند اول - آثار وصف تجریدی

وصف تجریدی در اسناد تجاری در بدو امر سبب پیدایش دو اثر مهم در حقوق اسناد تجاری گردیده است که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱. اصل عدم توجه ایرادات

اصل عدم توجه ایرادات به صراحت در قانون تجارت مورد اشاره قرار نگرفته است. با این حال، برخی حقوقدانان با اشاره به موارد پراکنده در قانون تجارت بر این باورند که قانون مذکور در باطن بر وصف تجریدی اسناد تجاری تأکید می‌کند. برای مثال در ماده ۲۵۳ قانون تجارت براتکش یا ظهنویسی که پول دیگری جز نوع مندرج در برات را دریافت کرده می‌تواند در برابر پرداخت‌کننده آن ملزم به استرداد مأخوذ به شود. ولی، پرداخت‌کننده

۱. مسعودی، بابک (۱۳۷۹)؛ ص ۱۰۶.

2. <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=78685&consultationid=752468>

نمی‌تواند به این توافق خصوصی در برابر دیگران استناد کند. همچنین با استناد به ماده ۲۵۷ قانون تجارت استدلال می‌کنند که اگر توافقات شخصی با یکی از مسئولان سند تجاری نسبت به دیگر مسئولان همان سند غیرقابل استماع است، به طریق اولی ایرادات و توافقات راجع به تعهد پایه نباید در برابر دارنده با حسن نیت سند تجاری قابل استناد باشد.^۱ از آنجا که سند تجاری موضوعاً و فارغ از منشأ دین و تعهدی که سبب و علت موجد آن بوده اعتبار پیدا می‌کند و تعهد ناشی از امضای سند به نحو مجرد در عالم حقوق مورد حمایت قانونگذار قرار می‌گیرد. لذا، دارنده سند تجاری مصون از ایرادات احتمالی است و متعهدین سند (امضاکنندگان آن) نمی‌توانند با طرح ایراداتی مثل اشتباه در موضوع معامله یا قیمت آن، اکراه و فقدان قصد و رضای معاملی و یا مستحق‌الغیر بودن، مرغوب نبودن کیفیت، تخلف از اوصاف، تدلیس و تقلب، تلف و عیب و نقص، نامشروع بودن جهت و... از پرداخت وجه سند تجاری شانه خالی کنند. به عبارت دیگر، ایراد زوال یا خلل در رابطه حقوقی پایه (بطلان، عدم نفوذ یا فسخ عمل حقوقی منشأ امضاء سند) در برابر دارنده سند تجاری قابل استماع نیست و به آن توجهی نمی‌شود. بنابراین، کلیه امضاکنندگان سند تجاری به دلیل موضوعیت داشتن سند، فی‌نفسه متعهد به پرداخت وجه سند هستند، ولو این که دیگر علت و سبب امضاء سند وجود نداشته باشد. البته این اصل نیز همچون هر قاعده عام دیگر با استثنائاتی مواجه است که برای مثال می‌توان به ایرادات مطروحه علیه دارنده با سوءنیت، ایرادات مطروحه در رابطه ایادی بلافصل، ایراد نقص شکلی سند، ایراد جعل امضاء، ایراد عدم اهلیت و ایراد تحصیل مجرمانه سند تجاری از طریق سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت یا جرائم مشابه دیگر اشاره کرد.^۲ تعهدات براتی نسبت به دارندگان پی در پی برات اساساً منتزع از روابط معاملاتی است که علت و سبب را در آن تشکیل می‌دهد. در حقوق ایران، اصل عدم توجه ایرادات همیشه مورد احترام رویه قضایی بوده است. در واقع، هیچ‌کس به خود تردیدی راه نداده که برات میان دست‌های غیرمستقیم از لحاظ تداوم مسئولیت متعهدان آن مستقل و منتزع از روابط ابتدایی امضاکنندگان با یکدیگر بوده و به صورت تجریدی و انتزاعی در نظر گرفته می‌شود.^۳ عدم پذیرش استناد به ایرادات به این منظور است که سند تجاری مجرد و دارای اعتبار ذاتی است

۱. جنیدی و شرعی‌نسب، همان، صص ۴-۵.

۲. مسعودی، صص ۱۰۷-۱۰۸.

۳. صقری، محمد (۱۳۸۰)؛ صص ۸۵-۸۶.

و تعهدات راجع به آن جنبه شخصی ندارد.^۱

۱-۱. استثنائات اصل عدم توجه ایرادات

مهم‌ترین استثنائات بر اصل عدم توجه ایرادات به شرح زیر است:

۱-۱-۱. ایراد مربوط به ایادی بلافصل

در رابطه بلافصل و مستقیم امضاکنندگان سند تجاری اصل عدم توجه ایرادات قابل استناد نیست. بنابراین، ایراد مطروحه در رابطه با ایادی بلافصل قابل استماع است. اصل عدم توجه ایرادات اطلاق خود را در روابط شخصی بین طرفین بلافصل از دست می‌دهد. از این‌رو، اگر متعهد ایراد نماید که تعهد یا رابطه حقوقی سابق که منشأ و علت صدور سند تجارتی مورد اختلاف شده به جهتی از جهات قانونی ساقط و یا منحل و یا باطل گردیده و یا این که بعد از صدور سند مذکور به دلیل وفای به عهد، اقاله، ابراء، تبدیل تعهد، تهاتر، مالکیت مافی‌الذمه، فسخ، انفساخ و غیره از بین رفته و یا این که این سند براساس نوشته دیگر نزد وی به صورت امانت بوده است، در این صورت ایراد خواننده علی‌رغم اصل عدم توجه ایرادات قابلیت استماع را خواهد داشت.^۲ در جداسازی و تفکیک تام سند تجاری از دین منشأ آن، ایرادات مربوط به تعهد پایه حتی در رابطه مستقیم بین طرفین آن نیز مسموع نیست. در جدایی نسبی، ایرادات مربوط به تعهد پایه صرفاً در رابطه مستقیم و بلافصل طرفین سند تجاری قابل استماع است. به عبارت دیگر، سند در رابطه مستقیم طرفین چیزی بیش از یک وسیله پرداخت نیست که از امتیازات برخوردار شده است. در نتیجه، هرچه هدف و مبنا را از بین ببرد یا تحت‌الشعاع قرار دهد لامحاله بر وسیله نیز تأثیر گذار خواهد بود.^۳

۱-۱-۲. ایراد مربوط به حجر و عدم اهلیت

در معاملات اسناد تجاری اگر امضاکننده در زمان امضا واجد اهلیت قانونی برای صدور، ظهرنویسی، قبولی و ضمانت نباشد ایراد قابل استناد بوده و در مقابل دارنده می‌توان به ایراد عدم مسئولیت تکیه کرده و به بطلان تعهد استناد کرد. همچنین، اگر امضاکننده فاقد قصد

۱. آبادی، کمال‌اله (۱۳۷۷)؛ ص ۲۰.

۲. <http://iranway.com/fa/rail-ghanon/> اصول حاکم بر اسناد تجاری.

۳. جنیدی و شرعی‌نسب، همان، ص ۹-۱۰.

و رضا بوده و به اجبار سفته‌ای را صادر، ظهرنویسی یا ضمانت کرده باشد یا سند موضوع معامله نامشروع باشد یا در مقام پرداخت دین راجع به قمار یا معامله ممنوع اقدام به صدور و معامله سند شود می‌توان در مقابل دارنده با حسن نیت به طرح ایراد استناد کرد.^۱ حجر حمایتی منبعث از قانون است و قواعد و مقررات مربوط به آن مانند مقررات مربوط به اهلیت با نظم عمومی ارتباط دارد و از این منظر جزء مقررات امری محسوب می‌شود.^۲

۳-۱-۱. ایراد مربوط به سوءنیت دارنده سند تجاری

سوءنیت دارنده برات یکی دیگر از استثنائات اصل عدم توجه ایرادات در مقابل سند تجاری است. در اسناد تجاری منظور از دارنده سند با حسن نیت شخصی است که از ایرادات سند تجاری آگاهی نداشته و آن را بدون تبانی با دارنده آگاه از ایراد تحصیل کرده باشد. در مقابل دارنده با سوءنیت کسی است که عامداً با علم بر عدم مدیونیت مدعی ایراد آن را به زیان وی مورد استفاده قرار دهد.^۳ مانند موردی که دارنده از عدم انجام تعهد ظهرنویس به متعهد سفته مطلع بوده و سند را به ضرر صادرکننده آن تحصیل نموده باشد.^۴ در رأی صادره از شعبه چهارم دیوان عالی کشور مورخ ۱۳۲۸/۱/۲۰ آمده است: استدلال دادگاه بر بی‌حقی دارنده سفته مبنی بر این که سفته مذکور متضمن تعهد ظهرنویس به انتقال خانه خود به صادرکننده بوده و تعهد مزبور اجرا نشده، در برابر دارنده سفته که اطلاع از جریان امر ثابت نگردیده، صحیح نیست. از مفهوم مخالف رأی بر می‌آید که اگر آگاهی دارنده از عدم انجام تعهد ظهرنویس ثابت شود، چنین دارنده‌ای با حسن نیت قلمداد نمی‌گردد. از این رو، ایراد مذکور علیه دارنده فوق قابل استماع است.^۵

۴-۱-۱. ایراد مربوط به عیوب و شرایط شکلی سند

یکی دیگر از مستثنیات اصل عدم توجه ایرادات عدم رعایت شرایط شکلی است که سبب خروج سند از قلمرو اسناد تجاری و تبدیل آن به یک سند مدنی و نیز مخدوش شدن

۱. آبادی، صص ۲۳-۲۴.

۲. صفائی، حسین، قاسم‌زاده، سید مرتضی (۱۳۷۸)؛ ص ۱۶۳.

۳. روانان، علی (۱۳۸۶)؛ ص ۴.

۴. آبادی، همان، ص ۲۵.

۵. مسعودی (۱۳۷۹)؛ ص ۱۱۱.

اصل استقلال امضاها می‌شود. از توجه به مواد ۲۲۳ و ۲۲۶ قانون تجارت استنباط می‌شود که عدم احترام به شکل و ظاهر سند امتیازات اعطایی از طرف قانونگذار منجمله عدم توجه به ایرادات را از آن سلب می‌کند. در این صورت، هر امضاکننده اختیار دارد در مقابل دارنده با حسن نیت یا حتی بدون حسن نیت ایراد کند. از طرف دیگر، اگر در انتقال سند مقررات مربوط به ظهرنویسی رعایت نشود، مسئولیتی متوجه ظهرنویس نخواهد شد. زیرا برخوردار از امتیازات و تضمینات قانونی مربوط از طرف ذینفع منوط به تنظیم و انتقال درست این اسناد است^۱ در صورتی که سند نه برات باشد نه سفته بلکه سند دیگری باشد مقررات مربوط به بروات در صدور آن قابل اعمال نیست. به این دلیل، متعهدان این سند به‌رغم مقررات برات حق ایراد را بر علیه دارنده سند خواهند داشت^۲.

۵-۱- ایراد مربوط به تحصیل مجرمانه سند تجاری

این استثنا در ماده ۱۴ قانون صدور چک (اصلاحات ۱۳۷۲) آمده است که به موجب آن صادرکننده چک یا ذینفع می‌تواند با اشاره به این که چک مفقود یا سرقت یا جعل شده یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرائم دیگر تحصیل شده کتباً دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد. طبق این ماده هر یک از امضاکنندگان چک می‌تواند ایراد خود را در برابر دارنده چک اقامه و از شمول اصل عدم توجه ایرادات خارج شود. در این مورد، ایراد مدعی حتی در مقابل دارنده با حسن نیتی که از مجرمانه بودن تحصیل سند بی‌اطلاع است نیز قابل استماع است. زیرا ادعای او نتیجه حمایت از مصالح عمومی جامعه است که استماع چنین ایرادی را تجویز می‌کند^۳. با این حال، باید میان جعل سند و سایر وسایل تحصیل سند تفکیک قائل شد. زیرا این ایراد با خود برات مربوط بوده و به فقدان شرایط اساسی برات ملحق می‌شود^۴.

۲. اصل استقلال امضاها

۱. همان، ص ۱۱۳.

۲. اسکینی، ربیعا (۱۳۷۸)؛ ص ۴۳.

۳. مسعودی، همان، صص ۱۱۵-۱۱۶.

۴. جنیدی و شریعتی‌نسب، همان، ص ۶.

اصل استقلال امضاها به این معنی است که هر امضایی باید جدا از سایر امضاها در نظر گرفته شود به گونه‌ای که بطلان یک امضا به دیگر امضاها موجود در سند سرایت نکند. به عبارت دیگر، هر امضا به‌طور مستقل و صرف‌نظر از سایر امضاها مبین تعهد امضاکننده است.^۱ بر مبنای اصل استقلال امضاها صحت یا بطلان هر یک از امضاها درج شده در سند نباید به امضاها دیگر تسری داده شود و آثار و وضعیت حقوقی آن را دگرگون کند، مگر در مواردی که بر طبق قانون بطلان و بی‌اعتباری آن احراز شود.^۲ این اصل که خود یکی از نتایج پذیرش و شناسایی مفهوم وصف تجریدی در اسناد تجاری است به این معنا است که هر یک از امضائات مندرج در متن سند تجاری، مستقل و بدون توجه به سایر امضائات سند اعتبار داشته و قائم به خود می‌باشد. چرا که مطابق این وصف هر امضاء تعهد مجردی را در عالم حقوق به وجود می‌آورد که مستقل از علت و منشأ امضاء و همچنین مستقل از سایر امضائات به حیات حقوقی خود ادامه می‌دهد. لذا، هرگاه یکی از امضائات با ایرادی مواجه و تعهد ناشی از آن امضاء ساقط گردد، تأثیری بر تعهدات سایر امضاءکنندگان نخواهد داشت و تعهد سایرین به قوت خود باقی خواهد بود.^۳ ماده ۲۴۹ قانون تجارت که به استناد مواد ۳۰۹ و ۳۱۴ همان قانون در خصوص متعهدین برات، سفته و چک به اجرا در می‌آید ضمن تصریح بر اصل مسئولیت تضامنی امضاکنندگان به‌طور ضمنی بر تعهد مستقل هر امضاکننده در مقابل ذینفع اشاره دارد. موضوع حق رجوع دارنده به هر یک از مسئولان و امضاکنندگان سند به‌طور انفرادی و طرح دعوی علیه هر کدام از آن‌ها بدون ضرورت رعایت تاریخ ظهرنویسی و نیز شناختن همین حق برای هر کدام از ظهرنویسان حاکی از مسئولیت و تعهد مستقل هر امضاکننده در برابر ذینفع دارد.^۴ در متون قانونی بین‌المللی اصل مذکور در ماده ۷ کنوانسیون ژنو بدین شرح آمده است:

«هرگاه برات دارای امضای اشخاصی باشد که اهلیت نداشته یا امضای آنان تقلبی باشد و یا به هر علت امضای ایشان تعهدآور نباشد، تعهد سایر امضاکنندگان کماکان به قوت خود باقی است»

۱. عبدالملکی، مهدی (۱۳۸۹)؛ ص ۱۳۸.

۲. آبادی، همان، ص ۹.

۳. مسعودی، همان، ص ۱۹.

۴. آبادی، همان، صص ۱۳-۱۴.

نکته قابل توجه آن است که اصل فوق الذکر تا زمانی از اعتبار و صلابت کامل برخوردار است که شرایط شکلی سند رعایت شده باشد. در غیر این صورت، سند مذکور از زمره اسناد تجاری خارج شده و به این ترتیب محلی برای اعمال اصل استقلال امضاها باقی نمی‌ماند.

گفتار دوم: اصل استقلال اعتبارات اسنادی و استثنائات وارد بر آن

بند اول - اصل استقلال اعتبارات اسنادی

مهم‌ترین قاعده در رویه نوین اعتبارات اسنادی اصل استقلال است.^۱ براساس این اصل، پرداخت تنها براساس دریافت اسناد مقرر در سند اعتبار از سوی گشاینده و بدون توجه به تعهدات و روابط حقوقی میان اشخاص زیر صورت می‌گیرد:

- ذی نفع و شخصی که صدور اعتبار را تحصیل کرده است.
- گشاینده و متقاضی اعتبار.

تعهد مجرد یا تعهد مستقل دارای معنای واحدی است و در برابر تعهد تبعی و فرعی به کار می‌رود؛ درحالی‌که اصطلاح تعهد تبعی و فرعی برای توصیف تعهدات اشخاصی همچون ضامن در معنای مصطلح در عقد ضمان به کار برده می‌شود. اصطلاحات «تعهد مستقل»، «تعهد اولیه» یا «تعهد مجرد» برای اشاره به تعهدات صادرکننده اعتبارنامه استفاده می‌شود. تعهدی را که فاقد ویژگی «فرعی» و «تبعی» بودن است. تعهد «مستقل» یا «تعهد مجرد» از رابطه پایه می‌نامند. اصل استقلال اعتبار اسنادی در واقع اصل بنیادین در مکانیسم اعتبار اسنادی شمرده شده است.^۲ اصلی که بسیاری از فروع حقوق اعتبارات اسنادی بر پایه آن بنا شده است. براساس این اصل، میان معامله اعتبار اسنادی و روابط حقوقی مقدماتی که زمینه صدور اعتبارنامه را فراهم ساخته، رابطه تبعیت برقرار نیست. بلکه کلیه این روابط علی‌الاصول از یکدیگر مستقل‌اند.^۳

1. Ruiqiao, Zhang (2009); pp 10-11.

2. Gillies, Peter (1998); p 397.

۳. بناء نیاسری، ماشاءالله، جنبه های حقوقی اعتبارات اسنادی بین المللی، رساله دکترا، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹، صص ۵۴۹ - ۵۶۴

به بیان دیگر، استقلال تعهد گشاینده اعتبار، به این معنا است که علت تعهد بانک را در رابطه حقوقی پایه نمی‌توان جست. اگر سؤال شود که به چه دلیل بانک، در برابر ذینفع اعتبار (فروشنده)، متعهد به پرداخت مبلغی معادل ثمن است، نمی‌توان پاسخ داد چون بایع بابت کالایی که به خریدار (متقاضی اعتبار) فروخته است. این مبلغ را طلبکار است، بلکه پاسخ آن است که بانک در برابر ذینفع اعتبار، متعهد به پرداخت مندرج در سند اعتبار است، چون به گشایش اعتبار اسنادی مبادرت کرده است.^۱ در واقع، علت تعهد بانک از خود رابطه اعتبار اسنادی به معنای خاص مایه می‌گیرد، نه از رابطه حقوقی مبنا. این گفته ممکن است این تصور را ایجاد کند که تعهدات مستقل (مجرد از رابطه پایه) تعهداتی بدون علت می‌باشند.^۲ بی‌تردید هر تعهدی نیازمند سبب است و از این روی تعهد بدون سبب تعهدی باطل انگاشته می‌شود. اما آیا به‌راستی تعهد مجرد و مستقل نیز تعهدی است که دارای سبب می‌باشد، یا باید آن را استثناء بر این قاعده شمرد که هر تعهدی را سببی ایجاد می‌کند؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که تعهد مجرد تعهدی بدون علت نیست علت این تعهد خود عمل حقوقی (ارادی) موجد تعهد مجرد یعنی گشایش اعتبار به سود ذینفع است، نه عمل حقوقی یا واقعه حقوقی‌ای که زمینه تشکیل این عمل حقوقی را فراهم ساخته است که در معاملات اعتبارات اسنادی معامله مبنا یا پایه خوانده می‌شود. تعهد بانک نه تنها مستقل از قرارداد پایه است، بلکه تعهدی متمایز از تعهد پرداختی است که خریدار براساس معامله پایه بر عهده دارد؛ به این معنا که تعهد بانک دارای اوصاف و کیفیاتی نیست که تعهد پرداخت ثمن که به عهده خریدار است، دارا می‌باشد. به‌عنوان مثال اگرچه تأخیر بیش از سه روز از پرداخت ثمن توسط خریدار، خیار تأخیر ثمن برای بایع ایجاد می‌کند، چنین تأخیری در پرداخت مبلغ اعتبار از سوی بانک متعهد، فی‌نفسه حقی برای بایع به منظور فسخ معامله پایه ایجاد نمی‌کند. به دیگر سخن تعهد صادرکننده اعتبارنامه از تعهد مدیون در رابطه پایه (متقاضی) سرمنشاء نگرفته و مشتق نشده است بلکه منشأ و سبب آن خود تعهد صادرکننده است.^۳ در حقوق اعتبارات اسنادی، بانک گشاینده اعتبار متعهد می‌شود

1. Dolan, John F (2007); p 795.

۲. در قوانین موضوعه بعضی کشورها، صریحاً تعهد بدون علت باطل شمرده شده است. به‌عنوان نمونه ماده ۱۱۳۱ قانون مدنی فرانسه مقرر می‌دارد که تعهد بدون علت باطل است.

3. Dolan. John F. (1999); pp. 789,795.

وجهی را که معادل ثمن معامله پایه است به ذینفع اعتبار (یا همان فروشنده) پردازد، این امر به آن معنا نیست که بانک به یکی از طرفین معامله پایه مبدل می‌شود. به دیگر سخن، بانک نسبت به رابطه حقوقی پایه بیگانه است و نه از آن حقی کسب می‌کند و نه در اثر آن تعهدی به عهده می‌گیرد. مقتضای این گفته که بانک نسبت به رابطه حقوقی پایه بیگانه و ثالث به‌شمار می‌رود آن است که ایرادات، دفاعیات و ضمانت‌اجراهای ناشی از رابطه پایه نیز له و علیه بانک قابل استفاده نباشد. مفاد اصل استقلال اعتبارات اسنادی نیز چیزی جز این اقتضا نمی‌کند. سبب این تعهد بانک را نه در رابطه حقوقی پایه بلکه باید در خود رابطه اعتبار اسنادی جست. به تعبیر دیگر، تعهد بانک از خود رابطه اعتبار اسنادی منشأ می‌گیرد نه از روابط دیگری که اعتبار زاییده آن‌ها است. پرداخت به‌وسیله اعتبارات اسنادی و به منظور تسهیل اجرای تعهدات ناشی از آن روابط در نظر گرفته شده است.^۱ این‌گونه تعهدات را که گذشته از اعتبار اسنادی در نهادهای حقوقی مشابه همچون اسناد تجاری، ضمانتنامه‌های مستقل بانکی نیز می‌توان به خوبی مشاهده کرد، تعهد مجرد می‌نامیم که به‌معنای جدایی و انفکاک این‌گونه از تعهدات از روابط حقوقی پایه‌ای است که مبنا و منشأ این قسم تعهدات می‌باشند.^۲

به‌طور خلاصه، در تشریح این اصل باید گفت براساس اصل استقلال، اعتبار با توجه به ماهیت خود معامله‌ای جدا از معامله پایه است و پرداخت به‌وسیله گشاینده صرفاً بر مبنای تعیین مطابقت اسناد ارائه‌شده با شرایط و ضوابط مشخص شده در اعتبار و بدون رجوع به اجرای قرارداد پایه از سوی ذینفع انجام می‌شود. در اعمال این اصل، بانک متعهد است اسناد منطبق را بپذیرد و نباید درگیر اختلاف میان خریدار و فروشنده شود. در نتیجه، هرگونه دعوا یا بدهی میان خریدار و فروشنده ارتباطی به بانک نمی‌یابد. بنابراین، باید گفت تعهد بانک به فروشنده یا ذینفع، کاملاً جدا و منفک از تعهدات فروشنده و خریدار نسبت به یکدیگر است.^۳ به‌علاوه، اعتبار اسنادی از روابط شخصی بانک گشاینده با متقاضی اعتبار نیز جدا است و بانک مزبور فارغ از تأمین اعتبار و باز پرداخت وجه از سوی متقاضی اعتبار،

1. Zhang, op. cit, p. 38.

به نقل از بنیان‌یاسری، همان، صص ۵۶۵ - ۵۸۰

۲. بنیان‌یاسری، همانجا

3. Corne, Charmian Wang (2003); pp. 88-89.

در قبال ذینفع متعهد به پرداخت وجه اعتبار است.^۱ مدت‌ها پیش از آن‌که اصل استقلال تعهد گشاینده از رابطه معاملاتی پایه و از قرارداد گشایش اعتبار در قلمرو حقوق اعتبارات اسنادی پذیرفته شود، اصل استقلال در مورد اسناد براتی (شامل برات و سفته و چک) نیز پذیرفته شده بود که از آن به‌عنوان وصف تجریدی اسناد تجاری یاد می‌شود.^۲

بند دوم: استثنائات وارد بر اصل استقلال اعتبار اسنادی

۱. عدم امکان استناد به ایرادات

یکی از مهم‌ترین استثنائاتی که از جریان اصل استقلال حاصل می‌شود، ممنوعیت گشاینده اعتبار از استناد به ایرادات، دفاعیات و ادعاهای ناشی از معامله مبنا یا قرارداد گشایش اعتبار در مقابل ذینفع اعتبار است. بانک متعهد براساس اعتبار نمی‌تواند به ایرادات و دفاعیاتی توسل جوید که طرفین معامله پایه در برابر یکدیگر از آن بهره‌مند می‌باشند. گشاینده اعتبار ضامن متقاضی اعتبار نیست که تعهد او تابع تعهد مضمون‌عنه (خریدار یا همان متقاضی اعتبار) باشد و در نتیجه بتواند جهت امتناع از پرداخت، یا موجه جلوه دادن امتناع قبلی خود از ایفای تعهد اعتبار به ایرادات و دفاعیات و ادعاهایی توسل جوید که متقاضی براساس قرارداد پایه حق دارد در مقابل ذینفع براساس رابطه معاملاتی که با ذینفع دارد، جهت امتناع از پرداخت ثمن بدان‌ها استناد نماید.^۳ تعهد بانک به پرداخت به ذینفع یک تعهد اولیه، اصیل و مستقل است. این ممنوعیت همچنین شامل ایرادات و دفاعیات و ادعاهای ناشی از قرارداد گشایش اعتبار نیز می‌گردد. بنابراین، ایراداتی که براساس قرارداد پایه یا قرارداد گشایش اعتبار به ترتیب در اختیار خریدار و گشاینده اعتبار است، در رابطه اعتبار اسنادی به‌معنای خاص از سوی بانک متعهد در برابر ذینفع اعتبار قابل استناد نیست. همچنین، متقاضی اعتبار و ذینفع نیز نمی‌توانند در برابر بانک به روابط شخصی خود یا شرایط قرارداد منعقد شده میان

1. Gillies, Peter; Moens, op.cit, p. 409.

2. Crawford, Henry Paine (1956); p. 418.

3. Stern, Michael (1985); pp. 218-224.

خود استناد کنند^۱. به هر روی، اصل استقلال اعتبار از قرارداد پایه مانع بهره‌مندی بانک از استناد به ایرادات و دفاعیات و ادعاهایی می‌شود که متقاضی اعتبار براساس قرارداد پایه می‌تواند علیه ذینفع اعتبار مطرح سازد^۲. براساس اصل استقلال، به صرف ارائه اسناد به ظاهر منطبق با مفاد اعتبار فرض می‌شود که مطالبه وجه اعتبار توسط ذینفع موجه است. مگر آن که تقلب به‌عنوان استثنایی بر اصل استقلال اعتبار به اثبات رسد^۳.

۲. عدم ارتباط میان انحلال معامله پایه و معامله اعتبار اسنادی

انحلال قرارداد پایه یا انحلال قرارداد گشایش اعتبار در اثر فسخ، انفساخ یا اقاله، به‌خودی‌خود، سبب انحلال رابطه اعتبار اسنادی به‌معنای خاص نمی‌شود. به بیان دیگر، اسباب انحلال رابطه اعتبار اسنادی از اسباب انحلال معامله پایه با قرارداد گشایش اعتبار جدا می‌باشد. در واقع، تعهد بانک تحت تأثیر تغییرات یا حتی اقاله یا ابطال معامله پایه قرار نمی‌گیرد^۴. نتیجه عینی استقلال تعهد اعتبار اسنادی غیر قابل استناد بودن ایرادات ناشی از قرارداد منعقد شده میان متقاضی صدور اعتبار و بانک گشاینده و قرارداد پایه منعقد شده میان خریدار و فروشنده در مقابل بانک و ذینفع است^۵. همچنین صلح دعوی فی‌مابین خریدار و فروشنده که راجع به معامله پایه است بانک را از مسئولیت امتناع ناروا از ایفای تعهد اعتبار (امتناع ناروا از پرداخت) بری نمی‌سازد. اسباب سقوط تعهد گشاینده در برابر ذینفع اعتبار متمایز و جدای از اسباب سقوط تعهد متقاضی اعتبار در برابر ذینفع اعتبار است. نتیجه اصل استقلال اعتبار اسنادی آن است که چنانچه به سببی تعهد خریدار در برابر ذینفع اعتبار ساقط شود، این امر ملازمه با سقوط تعهد بانک در برابر ذینفع ندارد. بنابراین، باید گفت آثار حقوقی اصل استقلال به ممنوعیت گشاینده از استناد به ایرادات و دفاعیات ناشی از قرارداد پایه یا قرارداد گشایش اعتبار در برابر ذینفع محدود نمی‌شود. افزون بر آن، به جهت استقلال تعهد ناشی از معامله اعتبار اسنادی به‌معنای خاص از روابط حقوقی مقدماتی، انحلال قرارداد پایه یا

1. Chae, Dong-heon (1998); p. 29.

به نقل از بناءنیاسری، همانجا.

2. Murray, Carole; Holloway, David; Timson-Hunt, Daren (2007); p. 191.

۳. بناءنیاسری، همانجا.

۴. همان، صص ۵۸۱-۵۸۳.

۵. سلطانی، محمد (۱۳۹۰)؛ ص ۲۴۰.

قرارداد گشایش اعتبار اعم از آن که انحلال به سبب فسخ، انفساخ یا تفاسخ باشد تأثیری بر معامله اعتبار اسنادی به معنای خاص ندارد مگر آن که متعاقب انحلال قرارداد پایه و یا قرارداد گشایش اعتبار یا تغییر مفاد هر یک از این دو قرارداد رابطه اعتبار اسنادی نیز مطابق شرایط تغییر داده شود.^۱ در حقوق ایران دکترین در خصوص استقلال مطلق اعتبار اسنادی از قرارداد پایه رویه واحدی اتخاذ نکرده است. برخی بر این عقیده اند که اعتبار اسنادی هر چند از استقلال برخوردار است، ولی جدایی موجب قطع رابطه اعتبار از منشأ یا قراردادهای پایه نمی شود و در صورت بروز اختلاف بین طرفین رابطه اعتبار اسنادی و اقامه آن در دادگاه، توافقات اولیه طرفین در این زمینه مورد بررسی دادگاه قرار خواهد گرفت.^۲ برخی دیگر همسو با این نظر بر این باورند که اصل استقلال اعتبار اسنادی همانند هر اصل دیگری مطلق نیست و در صورت ارائه اسناد مجعول یا متقلبانه از طرف ذینفع به بانک و سوءاستفاده آشکار از حق بانکها می باید از پرداخت وجه اعتبار اسنادی خودداری کنند. در اعتبارات اسنادی نیز سوءاستفاده آشکار از حق (مثل عدم انجام قرارداد پایه) به همان صورت ضمانتنامه های بانکی مستقل، می تواند مانع پرداخت اعتبار شود.^۳ بعضی حقوقدانان با حمایت از استقلال تام ضمانتنامه بانکی ایراداتی مانند بطلان قرارداد پایه و یا فسخ آن را غیرقابل استناد می دانند. به نظر اینان اگر بانک خود را درگیر روابط قراردادی طرفین کند یا دادگاهها بتوانند مانع پرداخت ضمانتنامه شوند این سند بانکی کارایی خود را از دست می دهد.^۴ لایحه جدید قانون تجارت (۱۳۹۱) در ماده ۸۳۶ به پیروی از رویه ها و قواعد متحدالشکل بین المللی راجع به ضمانتنامه های بانکی به وصف استقلال ضمانتنامه بانکی از قرارداد اصلی خدشه ای وارد نکرده است. این لایحه در ماده ۸۳۷ در خصوص تأثیر سقوط، فسخ یا بطلان تعهد اصلی مقرر می دارد «تعهدات ناشی از ضمانتنامه مستقل از تعهدات متقابل ذینفع و متقاضی که ناشی از قرارداد اصلی است و همچنین مستقل از تعهد متقاضی در برابر صادرکننده، معتبر است و سقوط، فسخ یا بطلان تعهد اصلی، موجب برائت صادرکننده نمی شود». به نظر می رسد ماده ۵۳ دستورالعمل اعتبار اسنادی داخلی - ریالی مصوب ۱۳۹۱/۹/۷ شورای پول

1. Fredericks, Eesa and Neels, Jan L. (2003); p. 72.

به نقل از بنیاد نیاسری، همانجا.

۲. اخلاقی، همان، ص ۸۴.

۳. سلطانی، همان، صص ۲۴۰ - ۲۴۱.

۴. کاشانی، محمود (۱۳۷۷)؛ ص ۵۱.

و اعتبار نیز تحت تأثیر رویه‌ها و ضوابط بین‌المللی اتاق بازرگانی بین‌المللی با اشاره به تبعیت فرآیند اعتبار اسنادی داخلی از مقررات متحدالشکل اسنادی به‌طور ضمنی استقلال اعتبار اسنادی از قرارداد پایه را پذیرفته باشد. بنابراین، ایرادات مبتنی بر قرارداد پایه در خصوص اعتبار اسنادی قابلیت استناد را ندارد.^۱ اگر قرار باشد اختلافات ناشی از قرارداد پایه بر تعهد پرداختی که از اعتبار اسنادی ناشی شده است تأثیر گذارد، علت وجودی اعتبار اسنادی زیر سؤال خواهد رفت. دیوان عالی ایالت نیویورک امریکا در دعوی صنایع راس بایسیکلز به طرفیت سیتی بانک آن، ای.آی.^۲، در بیان مصالحی که بنیان اصل استقلال اعتبار از رابطه معاملاتی پایه را پی می‌ریزند، اعلام می‌کند «قاعده استقلال اعتبارنامه از معامله پایه مبتنی بر دو مصلحت است: اولاً بانک گشاینده اعتبار در عمل نمی‌تواند برای اجرای قرارداد پایه تعهد (مسئولیتی) به عهده گیرد، چرا که بانک گشاینده کنترلی بر انعقاد قرارداد پایه و کنترلی بر انتخاب ذینفع ندارد؛ ثانیاً، چنانچه پیش از قبول و پرداخت برات منضم به اسناد، بانک گشاینده ملزم باشد به فراتر از ظاهر اسناد و شروط مقرر در اعتبار توجه کند و ناگزیر باشد در خصوص اختلاف راجع به قرارداد پایه که میان متقاضی و ذینفع جریان دارد، به تشخیص پردازد، کارآمدی و سودمندی تجاری اعتبار اسنادی از بین خواهد رفت. بانک هر آنچه بر اساس اعتبارنامه به ذینفع پرداخته، به‌طور معمول می‌تواند از مشتری خود (متقاضی اعتبار) مطالبه و دریافت کند. حال اگر متقاضی اعتبار معتقد است که ذینفع نسبت به وجه دریافتی حقی ندارد، در این صورت طرفین (متقاضی و ذینفع)، می‌توانند بر اساس قرارداد پایه‌ای که بین ایشان منعقد شده، به دادخواهی پردازند.^۳

۳. عدم پایبندی معامله اعتبار اسنادی به معامله پایه یا قرارداد گشایش اعتبار
یکی از استثنائات اصل استقلال اعتبار آن است که تعهدات گشاینده اعتبار به شکل شروط

۱. مافی، همایون، رحمانی، مهدی (۱۳۹۲)؛ ص ۳۴. اصل استقلال ضمانتنامه بانکی در بند «ب» ماده ۲ قواعد متحدالشکل ضمانتنامه‌های بانکی عندالمطالبه (یو.آر.دی.ج) مصوب ۲۰۱۰ صریحاً پیش‌بینی شده است که به‌موجب آن ضمانتنامه بانکی مستقل از قرارداد پایه است. ر.ک مافی، همایون، فلاح، مهدی (۱۳۹۲)؛ ص ۱۵۰، زیرنویس ۲.

2. Ross bicycles inc v. Citybank n.a 613 n.y.s.2d 538.450-451 (n.y.sup.ct.1994).

3. Urquhart Lindsay & Co. v. Eastern Bank, Ltd. (1922) 1 K.B. 318 at 323; Cargill Int. v. Bangladesh Sugar (1996); 2 Lloyd's Rep. 524 at 528-529, affirmed by the Court of Appeal (1998); 1 W.L.R. 461 at 468, 469, Comdel v. Siporex (1997); 1 Lloyd's Rep. 424 at 431; Ckb & Assoc., 734 S.W.2d at 655.

به نقل از بناء نیاسری، همان، صص ۵۸۳-۵۸۶.

در خود اعتبارنامه آمده است. به عبارت دیگر، تعهدات گشاینده اعتبار تنها در حدود همان مندرجاتی است که در خود اعتبارنامه آمده است. دادگاه‌ها نمی‌توانند به هنگام تفسیر اعتبارنامه از شروط مفاد قرارداد پایه یا قرارداد گشایش اعتبار کمک بگیرند. اصل استقلال اعتبار دلالت دارد بر این که رابطه بین گشاینده اعتبار و ذینفع نمی‌تواند بر معامله اعتبار اسنادی به معنای خاص اثر گذاشته مفاد آن را تغییر داده یا مقید نماید. بنابراین، با توجه به جدایی شروط اعتبارنامه از شروط مورد توافق در معامله پایه، خریدار به هنگام درخواست گشایش اعتبار باید قرارداد گشایش اعتبار را به نحوی با بانک گشاینده منعقد نماید و دستورات لازم را به گونه‌ای در فرم‌های مربوط درج کند که با آنچه در قرارداد پایه با فروشنده بر آن توافق کرده است، منطبق باشد. وگرنه به صرف این که اعتبار اسنادی در ارتباط با تأمین مالی معامله مشخصی صادر شده یا به صرف این که در اعتبارنامه به شروط معامله پایه ارجاع داده شده است، نمی‌توان مفاد و مندرجات مورد توافق در معامله پایه را جزء مفاد اعتبارنامه شمرد یا در تفسیر و رفع ابهامات اعتبارنامه از آن مندرجات معامله پایه کمک گرفت. بنابراین، معامله اعتبار اسنادی به معنای خاص که رابطه‌ای میان گشاینده و ذینفع اعتبار است تابع و مقید به آن دسته از شروط عقد بیع که در اعتبارنامه نیامده است نخواهد بود. به عنوان مثال، چنانچه در قرارداد پایه به نفع خریدار فسخ شرط شده باشد ولی شرط فسخ در قرارداد گشایش اعتبار و متعاقب آن در اعتبارنامه صادر نیامده باشد صرف فسخ قرارداد پایه از سوی خریدار به استناد شرط مزبور مجوز فسخ قرارداد گشایش اعتبار و معامله اعتبار اسنادی به معنای خاص نخواهد بود.^۱

بانک گشاینده اعتبار مسئول سوء اجرا یا عدم اجرای واقعی تعهد ناشی از معامله پایه از سوی ذینفع اعتبار نیست بانک صرفاً نقش واسطه را میان خریدار و فروشنده بیگانه که شناختی از یکدیگر ندارد بازی می‌کند و متعهد می‌گردد در برابر اسنادی معین وجه اعتبار را بپردازد، نه آن که پرداخت از جانب او در برابر تسلیم کالا و بازرسی کالا توسط بانک و پرداخت در برابر آن باشد. به عبارت روشن‌تر، مضمون تعهد بانک پرداخت (یا قبول برات و پرداخت) در برابر اسناد مربوط به کالا است نه پرداخت در برابر تسلیم مبیع، اجرای واقعی تعهد ناشی از قرارداد پایه بیع معلق علیه تعهد گشاینده اعتبار در برابر ذینفع یا تعهد متقاضی

به بازپرداخت وجه اعتبار در برابر گشاینده نیست. چنانچه، پس از آن که گشاینده با دقت متعارف اسناد مورد ارائه را بررسی کرد، و اسناد را برحسب ظاهر منطبق با اعتبار تشخیص داد و وجه اعتبار را در مقابل پرداخت کرد، کاشف به عمل آمد که اسناد مجعول بوده یا تزویری در اسناد صورت گرفته است بانک از تعهدی که در برابر متقاضی اعتبار داشته تخلف نکرده است. از این رو، کشف بعدی جعلیت یا مزورانه بودن اسناد بر حق گشاینده اعتبار دایر به مطالبه بازپرداخت وجه در مقابل متقاضی لطمه‌ای نمی‌زند. خلاصه این که بانک ضامن اجرای صحیح قرارداد پایه نیست، چرا که بانک کنترل و نظارتی در خصوص هویت ذینفع اعتبار و انتخاب او یا ماهیت معامله پایه ندارد. به علاوه، بانک با گشایش اعتبار اسنادی اجرای قرارداد پایه را ضمانت نکرده است. بنابراین، بانک گشاینده اعتبار در برابر متقاضی اعتبار نسبت به سوء اجرای قرارداد پایه توسط ذینفع اعتبار یا عدم اجرای واقعی قرارداد پایه توسط ذینفع مسئولیتی به عهده ندارد. این معنا یعنی عدم مسئولیت بانک گشاینده نسبت به سوء اجرا یا عدم اجرای واقعی تعهد ناشی از معامله پایه توسط ذینفع اعتبار به وضوح هرچه تمام در شق «الف» از بند (۱) ماده ۱۰۹-۵ قانون متحدالشکل تجارت امریکا بدین عبارت آمده است، بانک گشاینده اعتبار در برابر متقاضی، تعهد یا مسئولیتی در خصوص اجرای قرارداد پایه بیع یا قرارداد دیگری که بین متقاضی و ذی نفع اعتبار برقرار است به عهده ندارد. بخشی از شرح رسمی این ماده نیز بیان می‌دارد که شق «الف» از بند (۱) ماده مورد شرح مبتنی بر این تصور است که گشاینده اعتبار هیچ کنترل و نظارتی بر انعقاد قرارداد پایه یا بر انتخاب ذینفع نداشته و افزون بر آن گشاینده برای انجام خدمت پرداخت و نه برای تضمین اجرای واقعی تعهد توسط ذینفع اجرت می‌گیرد. چنانچه اجرای تعهد از سوی ذینفع به درستی انجام نگرفته باشد و صرفاً اسناد مورد ارائه برحسب ظاهر اجرای صحیح تعهد ذینفع را نشان دهند متقاضی اعتبار مطابق قاعده حق رجوع به ذینفع را براساس رابطه معاملاتی پایه خواهد داشت.^۱

۴. استثنای تقلب

1. The American Law Institute, National Conference of Commissioners on Uniform State Laws, Official Text and Comments (2007); p. 7

نتیجه اصل استقلال، بیگانه بودن بانک نسبت به رابطه حقوقی پایه و بیگانه بودن متقاضی اعتبار نسبت به رابطه اعتبار اسنادی است. همین امر در مورد استقلال اعتبار اسنادی از قرارداد گشایش اعتبار نیز صادق است. تقلب تنها استثنای «مورد اتفاقی» است که مانع میان معامله اعتبار اسنادی و قرارداد پایه را فرو می‌ریزد. سؤالی که در این جا قابل طرح به نظر می‌رسد این است که آیا تقلب متقاضی اعتبار به تنهایی نسبت به گشاینده اعتبار، بی آن که ذینفع به این امر علم داشته باشد، امکان استناد به قاعده تقلب را فراهم می‌سازد؟ به عبارت دیگر آیا تقلب تنها استثنایی بر اصل استقلال اعتبار از قرارداد پایه است یا تقلب استثنایی بر استقلال اعتبار از قرارداد گشایش اعتبار نیز شمرده می‌شود؟ امکان یا امتناع استناد به قاعده تقلب در فرضی که متقاضی اعتبار به تنهایی در قرارداد تقاضای اعتبار نسبت به گشاینده مرتکب حيله و تقلب شده است، در دعوی کومداتا تورک اینک به طرفیت فرست اینتراستیت بانک^۱ نزد یکی از دادگاه‌های امریکا مطرح شده و با پاسخ منفی مواجه شده است. دیوان عالی ایالت آیوای امریکا در این دعوا در مقام تأیید رأی دادگاه تالی به درستی اشاره می‌کند: «تقلب و خطای متقاضی در قرارداد گشایش اعتبار به رابطه میان ذینفع اعتبار و بانک گشاینده اعتبار مربوط نمی‌شود. قاعده مسلم آن است که طلب ذینفع بابت اعتبار تابع دفاعیاتی نیست که مشروط علیه در قرارداد به نفع ثالث می‌تواند در برابر مشروط له مطرح سازد. گشاینده اعتبار مکلف است وجه برات صادره تحت اعتبار را بپردازد، ولو آن که مشتری گشاینده اعتبار (متقاضی اعتبار) از پرداخت کارمزد بانک خودداری کند یا نسبت به گشاینده اعتبار مرتکب تقلب و نیرنگ شده باشد. به اعتقاد دادگاه، اعتبار اسنادی معامله‌ای است جدا و مستقل از سایر روابط حقوقی‌ای که مقدمه و مبنای تشکیل این معامله را فراهم کرده‌اند و متقاضی اعتبار طرف معامله اعتبار اسنادی نیست. بدین سان تقلب ارتكابی از سوی متقاضی اعتبار نسبت به گشاینده اعتبار، نمی‌تواند موجبی برای اعمال قاعده تقلب در رابطه اعتبار اسنادی که یک رابطه علیحده میان گشاینده و ذینفع اعتبار است باشد مگر این که تقلب در قرارداد تقاضای اعتبار از سوی متقاضی با تبانی ذینفع انجام گیرد که در این صورت تقلب مزبور تقلب ذینفع نیز بوده و لذا قاعده تقلب قابل استناد خواهد بود.^۲ لازم به ذکر است که

1. Comdata Network Inc. V. First Interstate Bank. 497 NW2d 807(1993).

2. Summers, Robert (2002); p. 180.

صرف اطلاع ذینفع اعتبار از اوضاع پریشان مالی متقاضی و عدم اعلام آن به بانک گشاینده، تبانی ذینفع با متقاضی به حساب نمی‌آید تا قاعده تقلب قابل استناد باشد. رأی صادره در دعوی آئتنا لایف اند کوزالتی کمپانی به طرفیت هانتینگتون نیشنال بانک^۱ به خوبی به این معنا اشاره دارد. در این دعوا خواهان (گشاینده اعتبار) با استناد به قاعده تقلب مدعی بود که ذینفع اعتبار (خواننده دعوا) از اوضاع مالی بسیار پریشان متقاضی اعتبار اطلاع داشته یا هر کس جای او بود اطلاع می‌داشت. بنابراین، ذینفع با متقاضی اعتبار جهت تحصیل گشایش اعتبار اسنادی تبانی کرده است یا آن که مطلع بوده یا باید اطلاع می‌داشت که تقاضای اعتبار از سوی متقاضی مزبور متقلبانه است. دادگاه بدوی در این مورد رأی بر بی‌حقی خواهان صادر کرد.

دادگاه حوزه قضایی ششم امریکا در مقام رسیدگی پژوهشی به این رأی با تأیید رأی دادگاه بدوی اعلام داشت «روشن است که ذینفع اعتبار از این که متقاضی اعتبار در وضعیت دشوار مالی به سر می‌برد، آگاه بوده است و همین امر دلیل آن بوده است که ذینفع اصرار کرده متقاضی اعتبار با تحصیل اعتباری به نفع خواننده تضمین اضافی به وی دهد... هیچ کتمان و پنهانکاری در خصوص مقصودی که ذینفع اعتبار را برای آن خواسته و برای آن منظور از اعتبار استفاده کرده وجود ندارد»^۲.

به هر حال، در عدم اعمال قاعده تقلب در مورد تقلبی که در قرارداد گشایش اعتبار وقوع یافته است تفاوت نمی‌کند که متقاضی به تنهایی مرتکب تقلب شود یا با مشارکت اشخاص دیگری (غیر از ذینفع) مانند خدمه بانک گشاینده و بدون اطلاع ذینفع مرتکب تقلب شود. لازم به ذکر است که اگر ذینفع از این که متقاضی در تحصیل اعتبار به نفع او مرتکب تقلب در قرارداد گشایش اعتبار می‌شود (مثلاً به این که متقاضی با یکی از کارمندان بانک تبانی کرده است که با وجود این که متقاضی شرایط لازم برای گشایش اعتبار به درخواست او را ندارد، وی را واجد شرایط دانسته و به درخواست او مبادرت به افتتاح اعتبار کند) و با این همه، علم خود را مکتوم دارد، معاون در ارتکاب تقلب بوده و لذا قاعده تقلب در برابر

1. Aetna Life & Causalty Co. V. Huntington National Bank. 934 F2d 695 (6 th Cir. 1991).

به نقل از بناء نیاسری، همانجا

۲. برای دیدن خلاصه‌ای از وقایع این دعوا و رأی صادره رک:

Givray, Albert J., et al. (1992); pp. 1571, 1580-1581.

به نقل از بناء نیاسری، همانجا.

او قابل استناد است. چنانچه ذینفع بی‌گناه پس از گشایش اعتبار به نفع او از تقلب متقاضی اعتبار در قرارداد گشایش اعتبار آگاه گردید، ولی هنوز اسناد لازم را ارائه نداده باشد سؤال این است که چنانچه ذینفع علم خود را در این خصوص پنهان نماید و همچنان از اعتبار اسنادی استفاده نموده و رابطه تجاری خود را با متقاضی اعتبار ادامه داده و کالای موضوع قرارداد پایه را ارسال دارد و اسناد حمل را تهیه و ارائه نماید آیا قاعده تقلب در برابر چنین ذینفعی قابل استناد است؟ به عبارت دیگر آیا می‌توان اجرای آن بخش از معامله پایه را که پس از اطلاع ذینفع از تقلب در قرارداد گشایش اعتبار صورت گرفته نیز متقلبانه پنداشت؟ در این مورد گفته شده است که تقلب ذینفع نیز رخ داده و لذا قاعده تقلب قابل استناد می‌شود. بنابراین، در پاسخ به این سؤال که آیا در فرضی که تقلب متقاضی در قرارداد گشایش اعتبار بدون مشارکت یا معاونت ذینفع انجام گرفته است، قاعده تقلب قابل استناد است یا خیر، باید بین دو فرض قائل به تفصیل شد: چنانچه ذینفع پس از اجرای تعهد پایه (ارسال کالا و تهیه اسناد حمل) شخصاً یا به توسط بانک گشاینده از تقلب متقاضی اعتبار مطلع گردید. تقلب متقاضی اعتبار در قرارداد گشایش اعتبار تأثیری بر تعهد گشاینده در برابر ذینفع ندارد و سبب قابلیت استناد به قاعده تقلب نخواهد بود. اما چنانچه ذینفع قبل از اجرای تعهد پایه از تقلب متقاضی در قرارداد گشایش اعتبار به هر نحو (شخصاً یا از طریق بانک گشاینده) مطلع گردد و به رغم این علم مبادرت به اجرای آن تعهد نماید، متقلب قلمداد خواهد شد. بنابراین، مطابق این نظر زمانی که ذینفع اعتبار از ارتکاب تقلب توسط متقاضی در قرارداد گشایش اعتبار اطلاع می‌یابد، عاملی تعیین‌کننده در اعمال یا عدم اعمال قاعده تقلب خواهد بود.^۱

تقلب در اسناد و همچنین تقلب در معامله پایه در غالب موارد با مباشرت، مشارکت یا معاونت ذینفع اعتبار یا اشخاصی که مسئولیت فعل یا ترک فعل آن‌ها با ذینفع است، رخ می‌دهد. این مورد، فرض شایعی است که قاعده تقلب به استناد متقلبانه بودن اسناد به موقع اجرا گذاشته می‌شود. با این حال، تقلب در اسناد و همچنین تقلب در معامله پایه ممکن است با تبانی متقاضی اعتبار و ذینفع اعتبار رخ داده باشد. باید گفت، در جایی که تقلب در اسناد

1. Xiang, op.cit, p 128.

و یا تقلب در معامله پایه با تبانی و مواضعه متقاضی و ذینفع اتفاق افتد تا بدین سان وجه اعتبار را در مقابل تسلیم مثنی کاغذ باطله و فاقد ارزش از جیب گشاینده اعتبار خارج سازند و میان خویش تقسیم نمایند، همانند مورد قبل که تقلب توسط ذینفع به تنهایی انجام شده است مسلماً قاعده تقلب اعمال می گردد^۱.

گفتار سوم: مقایسه وصف تجریدی اسناد تجاری و اصل استقلال اعتبارات اسنادی

اصل استقلال پذیرفته شده در خصوص اعتبارات اسنادی، شباهت زیادی به اصل تجریدی در خصوص اسناد برواتی دارد، چرا که در هر دو مورد تعهد ایجاد شده در نتیجه صدور سند از تعهد ایجاد شده در نتیجه انعقاد معامله پایه و مبنا جدا و مستقل است و طرفین هر دو سند اصولاً در دعاوی ایجاد شده در خصوص معامله پایه درگیر نمی شوند و نیز تعهد ایجاد شده در نتیجه اسناد، مطلق بوده و از هر ایرادی مبری است. در ذیل شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو اصل به منظور درک فرآیند تأثیر ایرادات بر هر یک از آن‌ها بررسی می شود.

بند اول - شباهت‌ها

اعتبارات اسنادی همانند اسناد تجاری از وصف تجریدی و اصل عدم توجه ایرادات برخوردارند^۲. از این رو، هیچ یک از متعهدین و ضامنین این اسناد نمی توانند به منظور مبرا دانستن خود یا سرپیچی از ایفای تعهد خود در برابر دارنده سند به ایرادات و استثنائات راجع به روابط و عملیات یا عیوب مراحل مختلف صدور یا انتقال متوسل شوند حتی اگر در سلسله ایادی متعاقبه ایرادات جدی و عیوب یا تقلبات ثابت شده باشد. به این ترتیب، اصل عدم توجه ایرادات و استثنائات نه تنها بر کل اعتبارات اسنادی حاکم است، بلکه از عملی به عمل دیگر یا از سندی به سند دیگر یا امضائی به امضای دیگر به طریق اولی صدق می کند^۳. به علاوه، اعتبارات اسنادی همانند اسناد تجاری به معنی خاص اسناد قابل معامله و دارای

۱. همان، صص ۶۶۵ - ۶۹۲.

۲. جنیدی و شرعیتی نسب، همان، ص ۳.

حقوق و تعهدات براتی هستند. صدور این گونه اسناد حاکی از قصد نتیجه برای پرداخت دارد. به بیان دیگر، اعتبار اسنادی خود یک هدف محسوب می شود و نه وسیله و جنبه موضوعیت دارد و نه طریقت^۱. یکی دیگر از مشابهت های اسناد تجاری و اعتبارات اسنادی همسویی جدی اعتبارنامه با حقوق ناشی از بروات و اسناد تجاری یا حقوق کامبیر است به این معنی که حقوق ذینفع مستقیماً از اعتبارنامه ناشی می شود و نه از رابطه ابتدایی و موجد که بین خریدار و فروشنده وجود دارد. در اعتبارات اسنادی همچون اسناد تجاری اساساً به ظاهر و شکل اسناد توجه می شود و کم تر به منشأ صدور یا ماهیت و محتوای حقوقی آنها نگریده می شود^۲. لرد دنینگ رئیس دادگاه پژوهش در دعوی پاور کربر اینترنشنال لیمیتد علیه بانک ملی کویت بیان داشت که ویژگی استقلال اعتبار اسنادی سند مزبور را تا حدودی مشابه برات کرده است. اعتبار اسنادی همانند براتی است که برای قیمت خرید کالاها داده می شود. به همین دلیل، اعتبار اسنادی در ردیف پول نقد در نظر گرفته می شود و قبول آن الزامی است. هیچ گونه تهاوت یا دعوی متقابل نمی تواند برای کاهش بهای برات مجاز شناخته شود. این موضوع در خصوص اعتبار اسنادی به طریق اولی صحیح است^۳.

بند دوم - تفاوتها

باید دانست مفهوم اصل استقلال اعتبار اسنادی از روابط حقوقی مقدماتی و مفهومی وصف تجریدی سند تجاری دقیقاً با یکدیگر منطبق نمی باشد. ریشه این تفاوت را باید در تمایز در وضع اصل تجریدی در حقوق اسناد تجاری با قاعده استقلال در حقوق اعتبارات اسنادی دانست. در حالی که مبنای وضع اصل تجریدی در حقوق اسناد تجاری دادن امکان اعتماد اشخاص ثالث به ظاهر این اسناد و سهولت در انتقال آنها است^۴ اصل استقلال برای تسهیل پرداخت به ذینفع و عدم درگیر شدن آن در دعوی پیچیده برای دریافت ثمن معامله است. تفاوت اصل استقلال در حقوق اعتبارات اسنادی و حقوق اسناد تجاری، ناشی از تعلیقی بودن تعهد گشاینده اعتبار از یک سو، و منجز بودن تعهد صادرکننده سند تجاری از سوی دیگر

۱. اخلاقی، بهروز، همان، ص ۸۱.

2. <http://www.isfahanportal.ir/web/economy/85:jessionid=31>

۳. اشمیتوف، کلا یو ام. (۱۳۷۸)؛ ص ۶۱۹.

۴. کاویانی، همان، ص ۴۴ به بعد، به نقل از بنیاد نیاسری، همان، صص ۵۴۹-۵۶۲.

است.^۱ در بیان تفاوت وصف استقلال در این دو حوزه از حقوق باید گفت، اسناد تجاری پس از آن که انتقال یافتند، در رابطه حقوقی غیرمستقیم وصف استقلال کسب می کنند، والا تا زمانی که سند انتقال نیافته در رابطه حقوقی بین طرف های بلافصل، سند تجاری از رابطه حقوقی پایه منتزع و مستقل نیست، چندان که متعهد سند در رابطه بلافصل می تواند به کلیه ایرادات و دفاعیات ناشی از معامله پایه استناد جوید.^۲ وانگهی، بنابراین یکی از تفاوت های اصل استقلال اعتبار و وصف تجریدی سند تجاری از معامله پایه، دو استثنائی است که بر آن دو اصل وارد است. در اسناد تجاری با آن که دارنده ثالث با حسن نیت در برابر پاره ای ایرادات مصون است، اما بعضی ایرادات مانند نقص شکلی سند آن چنان مبنایی است که نظریه حمایت از دارنده ثالث با حسن نیت نیز یارای مقاومت در برابر آن را ندارد. این موضوع در فرض انتقال بخش یا تمام حقوق ناشی از اعتبار اسنادی به شخص ثالث با حسن نیت قابل استناد نیست.^۳ اصل تجریدی اصولاً ناظر بر اسناد تجاری است و نوعاً کاربرد داخلی دارد و مستقیماً از نظام حقوق داخلی تأثیر می پذیرد. اما اعتبار اسنادی نوعاً ناظر بر معاملات فراملی و بین المللی است و مستقیماً تحت کنترل حقوق تجارت بین الملل قرار دارد. اسناد تجاری اکثراً به عنوان وسیله پرداخت در معاملات بین المللی استفاده می شود، اما اعتبار اسنادی وسیله تأمین مالی نیز می باشد.^۴ صدور اسناد تجاری به خودی خود معامله محسوب نمی شوند، ولی صدور اعتبار اسنادی ضرورتاً مبتنی بر معامله است. البته در مقررات بخش پنجم قانون قبلی متحدالشکل تجارت امریکا مورخ ۱۹۵۳، تنها معامله کننده اعتبار، در اعتبار اسنادی قابل معامله در برابر ایراد تقلب مصونیت داشت. اما مقررات باب پنجم جدید قانون متحدالشکل تجارت امریکا ۱۹۹۵ دایره این مصونیت را توسعه داده چندان که گستره این مصونیت به سایر اشخاص ثالثی که حقوق ناشی از اعتبار به ایشان منتقل می شود و اوصاف دارنده ثالث یا حسن نیت را واجد باشند نیز تسری یافته است. بدین سان می توان گفت میان مفهوم دارنده ثالث با حسن نیت

1. Mann, Ronald J. (1997); p. 951.

2. Convention Providing a Uniform Law For Bills of Exchange and Promissory Notes (Geneva, 1930), Art. 17.

بناء نیاسری، همانجا.

۳. همانجا

۴. لنگریچ، رینهارد (۱۳۸۸)؛ ص ۵۵.

در حقوق اسناد تجاری و این مفهوم در حقوق اعتبارات اسنادی نیز تفاوت وجود دارد.^۱ اسناد تجاری و برواتی معمولاً حاوی دستور پرداخت بی قید و شرط هستند در حالی که در اعتبار اسنادی، پرداخت با ارائه اسناد مشخص شده و اوصاف بیان شده برای آن‌ها صورت می‌گیرد. در چنین شرایطی، در صورت انتقال اعتبار اسنادی، دارنده باید اسناد مشخص شده در آن را با اوصاف معینه ارائه دهد تا پرداخت به او صورت گیرد و در این خصوص، تفاوتی میان دارنده با حسن نیت و دیگران وجود ندارد.^۲ برخلاف اسناد تجاری که قابلیت واگذاری و مبادله از خصائص و ویژگی‌های مهم آن است، قابلیت انتقال اعتبارات اسنادی جزو ذات و ماهیت اعتبارنامه محسوب نمی‌شود و صرفاً در صورتی که بانک گشاینده اعتبار طبق بند «الف» ماده ۳۸ یو سی پی ۶۰۰ (مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی) قابلیت انتقال اعتبار را تصریح کرده باشد، می‌توان آن را به ذینفع ثانوی و تنها برای یک‌بار انتقال داد.^۳

جمع‌بندی و ملاحظات

از بررسی و مقایسه وصف تجریدی اسناد تجاری و اصل استقلال اعتبار اسنادی نتایج زیر به دست می‌آید:

الف) بر مبنای اصل استقلال، اعتبارات اسنادی از قرارداد مبنایی خود برای خرید و فروش کالا یا دیگر معاملات پایه مستقل است. همچنین، اعتبارات اسنادی از معامله بین خریدار (متقاضی اعتبار) و بانک گشاینده اعتبار نیز مستقل است. بنابراین، هیچ ایرادی در قراردادهای فوق (معامله پایه و قرارداد گشایش اعتبار) در خصوص اعتبار و در مقابل ذینفع اعتبار اسنادی (فروشنده در قرارداد پایه) قابل استناد نیست. در واقع، اعتبارات اسنادی نوعی معامله اسناد است. این که قرارداد پایه راجع به فروش نفت، ماشین‌آلات یا هر چیز دیگری است در اعتبارات اسنادی مؤثر نیست و نمی‌توان به ایرادات قرارداد پایه در مقابل ذینفع استناد کرد. همچنین، در جایی که متقاضی اعتبار در خصوص قراردادی که با بانک گشاینده اعتبار منعقد کرده است به تعهداتش پایبند نباشد، بانک نمی‌تواند با استناد به عدم پرداخت کارمزد یا حق الزحمه بانک از سوی متقاضی از پرداخت مبلغ اعتبار به ذینفع خودداری

۱. بناء نیاسری، همانجا.

2. Crawford, op.cit, p. 244.

۳. ابافت، رسول، همان، صص ۱۰۲-۱۰۳.

ورزد، زیرا اصل استقلال اعتبارات اسنادی مقتضی آن است که این ایرادات به رابطه بانک گشاینده و ذینفع سرایت ننماید. بنابراین، ولو ایراداتی همچون تهاتر، دعوی متقابل یا مثلاً عیب و نقصی در معامله پایه وجود داشته باشد، در صحت اعتبار اسنادی بی تأثیر بوده و در مقابل دارنده قابل طرح نیست.

ب) استثنائات وارد بر وصف تجریدی سند تجاری و استثنائات وارد بر اصل استقلال اعتبار اسنادی با یکدیگر متفاوتند. در قلمرو حقوق اسناد تجاری در صورت انتقال سند تجاری به ثالث با حسن نیت، تنها ایرادات شخصی (ایرادات ناشی از رابطه معاملاتی پایه میان متعهد سند و دارنده قبلی) در برابر دارنده با حسن نیت سند تجاری قابل استناد نیست، و گرنه تمام ایرادات عینی (ایرادات مربوط به خود سند مانند نقص شکلی سند تجاری) در برابر دارنده، ولو آن که دارنده ثالث با حسن نیت سند تجاری باشد قابلیت استناد دارد.^۱ در حقوق تجارت بین الملل تنها استثناء «مورد اتفاق» بر اصل استقلال اعتبار اسنادی ایراد تقلب است و تقسیم ایرادات به ایرادات شخصی و ایرادات عینی در حوزه حقوق اعتبارات اسنادی بی معنا می باشد. به هر حال، در مورد اسناد تجاری به معنای خاص، گذشته از آن که تعداد استثنائات وارد بر وصف تجریدی اسناد تجاری بیش تر است، تمام ایرادات عینی سند در برابر دارنده ثالث با حسن نیت نیز قابل استناد است، و دارنده ثالث با حسن نیت سند تجاری تنها در برابر ایرادات شخصی دارای مصونیت است.^۲

پ) در حقوق اسناد تجاری چنانچه سند معامله شده باشد یعنی به طریق تجاری به ثالث با حسن نیتی انتقال یافته باشد، اماره ذی حقی در مطالبه وجه سند از دارنده سند حمایت می کند. برعکس، در جایی که سند تجاری از طریق معامله منتقل نشده، کلیه ایراداتی که میان صادرکننده سند و شخصی که سند به نفع او صادر شده (گیرنده وجه) قابل طرح می باشد. حمایت های حقوق اسناد تجاری فقط از کسی است که سند تجاری از طریق

۱. دفاعیات عینی در حقوق اسناد تجاری به دفاعیاتی گفته می شود که حتی در برابر دارنده ثالث با حسن نیت سند تجاری نیز قابل استناد است. در حقوق ایالات متحده امریکا، شق (۱) از بند (الف) ماده ۳-۳۰۵ باب سوم قانون متحدالشکل تجارت امریکا این دفاعیات را بر می شمارد. مطابق این مقرره، دفاعیات عینی عبارت اند از صغر، اکراه، فقدان اهلیت قانونی، تقلبی که امضاءکننده را به امضای سند برانگیخته باشد. در این باره ر. ک:

The American Law Institute, op.cit., p 408.

به نقل از بناء نیاسری، همان، صص ۵۶۲ - ۵۶۵.

۲. همانجا.

معامله (انتقال تجاری) به او منتقل شده باشد. اما حقوق اعتبارات اسنادی همین حمایت‌ها را از شخص ثالث حتی اگر اعتبار توسط او معامله نیز نشده باشد می‌نماید. اعتبار اسنادی حتی در رابطه میان گشاینده - ذینفع نیز مستقل از سایر روابط مقدماتی است که اعتبار بر آن‌ها مبتنی است. دفاعیاتی که در حقوق اعتبارات اسنادی علیه ذینفع اعتبار (معادل گیرنده وجه در سند تجاری) قابل طرح است. دقیقاً و با حساسیت محدود شده است. اشخاص مورد حمایت در حقوق اعتبار اسنادی حتی در برابر این دفاعیات محدود نیز مصون می‌باشند. بنابراین، دایره اصل غیرقابل استناد بودن ایرادات در برابر دارنده ثالث با حسن نیت بسیار وسیع‌تر از این اصل در حقوق اسناد تجاری است.

ت) در خصوص تسری یا عدم تسری استثنائات اعتبار اسنادی در میان محققان حقوقی اختلاف نظر وجود دارد. به‌طور کلی، دو رویکرد در این خصوص قابل ذکر است. «رویکرد موسع» که براساس آن باید دایره اعمال استثنائات را از ارائه مجعول یا متقلبانه اسناد به مواردی هم چون بطلان، فسخ و عدم اجرای تعهدات پایه تسری داد و «رویکرد مضیق» که خواستار محدود کردن اعمال استثنای ثقلب به جعل و تزویر در اسناد است. با این وجود، توصیه می‌شود برای دستیابی به معیارها و ضوابط متقن داخلی و در عین حال حفظ کارآمدی و سودمندی اعتبارات اسنادی و جلوگیری از سوءاستفاده ذینفع دغلکار از سازوکار اعتبار اسنادی قانونگذار محتاطانه مرزهای دقیق استقلال اعتبار اسنادی از قرارداد پایه را مشخص کند تا تعادلی منصفانه بین منافع متعارض طرف‌های درگیر در عملیات اعتبار اسنادی برقرار شود. در این راستا، شناسایی صریح اصل استقلال کامل اعتبارات اسنادی از قرارداد پایه و ایرادات مربوط به آن به تأسی از مقررات متحدالشکل اعتبارات اسنادی (یوسی پی ۶۰۰) به‌عنوان قواعد جهانی حاکم بر عملیات اعتبارات اسنادی و همسو با گرایش و رویه غالب و یکسان در حقوق تجارت بین‌الملل به تسهیل مبادلات فراملی، دستیابی به بازارهای فرامرزی و توسعه و ارتقای شهرت ایران در پذیرش معیارها و استانداردهای شناخته‌شده بین‌المللی یاری خواهد رساند. از طرف دیگر، پذیرش صریح وصف تجریدی اسناد و اصل عدم توجه ایرادات در قوانین از طرف مقنن نیز صرف‌نظر از همسویی با کنوانسیون ژنو ۱۹۳۰ راجع به برات و سفته، حکومت چنین اصولی بر اسناد تجاری را در حقوق ایران به شکل کامل نشیبت خواهد کرد.

منابع

آبادی، کمال‌اله (۱۳۷۷)؛ «اصل استقلال امضاها و عدم توجه ایرادات در اسناد تجاری»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، شماره دهم و یازدهم، صص ۷-۲۵.

اخلاقی، بهروز (۱۳۷۷)؛ «بحثی پیرامون اعتبارات اسنادی»، مجله قضائی و حقوقی دادگستری، سال اول، شماره اول، پائیز، صص ۶۵-۹۹.

اسکینی، ربیعا (۱۳۷۸)؛ حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک)، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت.

اشمیتوف، کلایو. ام. (۱۳۷۸)؛ حقوق تجارت بین‌الملل، جلد دوم، چاپ اول. ترجمه بهروز اخلاقی و دیگران، تهران، انتشارات سمت.

بنیادنیاسری، ماشاالله، «جنبه‌های حقوقی اعتبارات اسنادی بین‌المللی»، رساله دکترا، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹.

جنیدی، لعیا، شریعتی‌نسب، صادق (۱۳۹۲)؛ «وصف تجریدی در حقوق ایران، با تأکید بر رویه قضایی»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۳، ش ۱، صص ۱-۱۶.

روانان، علی (۱۳۸۶)؛ «بررسی تطبیقی دارنده چک با حسن‌نیت و بدون حسن‌نیت در قوانین دنیا»، اندیشه‌های اسلامی، ش ۱ (سال اول)، صص ۱-۲۰.

صفائی، حسین، قاسم‌زاده، سید مرتضی (۱۳۷۸)، حقوق مدنی: اشخاص و محجورین، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت.

صقری، محمد (۱۳۸۰)، حقوق بازرگانی: اسناد (برات، سفته و قبض انبار عمومی)، جلد اول، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار.

عبدالملکی، مهدی (۱۳۸۹)، «اوصاف اسناد براتی در نظریه‌های حقوقی»، مجله حقوقی دادگستری، سال ۷۴، ش ۶۹، صص ۱۱۷-۱۵۵.

کاشانی، محمود (۱۳۷۷)؛ ضمانتنامه بانکی، چاپ اول، انتشارات مؤسسه عالی بانکداری.

کاویانی، کورش (۱۳۸۳)؛ حقوق اسناد تجاری، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

لنگریج، رینهارد (۱۳۸۸)؛ اعتبارات اسنادی در حقوق تجارت بین‌الملل، چاپ اول، ترجمه

سعید حسینی، تهران، انتشارات میزان.

مافی، همایون، فلاح، مهدی (۱۳۹۲)؛ «خصیصه‌های اسنادی و ضمانتی اعتبار اسنادی تضمینی در حقوق تجارت بین‌الملل»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۷، ش ۲ (پیاپی ۸۰)، صص ۱۴۳-۱۵۵.

مافی، همایون، رحمانی، مهدی (۱۳۹۲)، «ماهیت حقوقی ضمانتنامه بانکی در نظام حقوقی ایران»، فصلنامه تعالی حقوق، سال پنجم، ش ۵، صص ۳۱-۵۴.
مسعودی، بابک (۱۳۷۹)؛ «اصول حاکم بر اسناد تجاری»، مجله کانون و کلا، ش ۱۷۱، صص ۱۰۱-۱۳۱.

Chae, Dong-heon (1998); "Letters of Credit and the Uniform Customs and Practice for Documentary Credits: The Negotiating Bank and the Fraud Rule in Korea Supreme Court Case", *Florida Journal of International Law*, Vol. 12.

Corne, Charmian Wang (2003); "Rethinking the Law of Letters of Credit", A Thesis Submitted in Fulfillment of the Doctor of Juridical Studies, University of Sydney.

Crawford, Henry Paine (1956 to 1956); "Practical Use of Documentary Credit", *Tulane Law Review*, vol. XXX.

Dolan, John F. (2007); "The Law of Letters of Credit: Commercial and Standby Credits", *Wayne State University Law School Legal Studies Research Paper Series*, 4th edition.

Dolan. John F. (1999); "A Study of Subrogation Mostly in Letter of Credit and other Abstract Obligation Transactions", *64 Missouri Law Review*, Fall.

Fredericks, Eesa, and Neels, Jan L. (2003); "The Proper Law of a Documentary Letter of Credit (Part 1)", *South African Mercantile Law Journal (SA Merc LJ)*, vol. 15, no. 1.

Gillies, Peter; Moens, Gabriël (1998); *International Trade and Business: Law, Policy and Ethics*, Cavendish Publishing.

Hsu, Chung-Hsin (2006); "The Independence of Demand Guarantees Performance Bonds and Standby Letters of Credit", *National Taiwan University Law Review*, no. 1 (2).

Mann, Ronald J. (1997); "Searching for Negotiability in Payment and Credit Systems", *UCLA Law Review*, vol. 44.

McCurdy, William E. (1992); "Commercial Letters of Credit (Concluded)", *Harvard Law Review*, vol. 35, no. 6.

- Murray, Carole; Holloway, David; Timson-Hunt, Daren (2007); *Schmitihoff's Export Trade, The Law and Practice of International Trade*, Eleventh Edition, Sweet & Maxwell.
- Murray, Daniel E. (1993); "Letters of Credit and Forged and Altered Documents: Some Deterrent Suggestions", *Commercial Law Journal*, vol. 98.
- Stern, Michael (1985); "The Independence Rule in Standby Letters of Credit", *University of Chicago Law Review*, vol. 52.
- Summers, Robert (2002); "White, James", *Uniform Commercial Code*, vol. 1, West Group.
- The American Law Institute (2007); "National Conference of Commissioners on Uniform State Laws", *Official Text and Comments*.
- Xiang, Gao (2001); "The Identity of the Fraudulent Party under the Fraud Rule in the Law of Letters of Credit", *UNSW Law Journal*, vol. 24 (1).
- Zhang, Ruiqiao (2009); "A Comparative Study of the Fraud Exception Rule of Letters of Credit: Proposed Amendments to the Chinese Credit System", A Thesis Submitted in Partial Fulfillment of The Degree of Master of Laws (LL.M.), McGill University, Montreal, Faculty of Law.
- <http://www.tebyan.net/newindex.aspx?pid=78685&consultationid=752468>
- <http://www.isfahanportal.ir/web/economy/85:jessionid=31>
- <http://iranway.com/fa/rail-ghanon>